

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی - نکته روز شماره ۲۶ - شانزدهم آذر ۹۳

ارتقا رقابت صنعت داخلی از کدام راه : توسعه واردات یا توسعه صادرات؟

احمد اخوی

توضیح اجمالی:

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) توانایی یک کشور در تولید کالاها و خدمات برای ارائه در بازارهای بین‌المللی را که بطور همزمان با حفظ یا ارتقاء سطح درآمد شهروندان در دراز مدت همراه است، توسعه رقابت تعریف کرده است. در واقع ارتقاء رقابت صنعت داخلی به شدت تابع تولید برای صادرات است و در کلامی ساده رشد اقتصادی رقابتی در پرتو سیاست و رویکرد توسعه صادرات بدست می‌آید. این تعریف با آنکه توسط سازمانی مرکب از کشورهای پیشرفته و اقتصادهای بزرگ صنعتی ارائه می‌شود که واهمه‌ای از واردات ندارند، با این حال به لحاظ اهمیت صادرات کاملاً نگرش برون‌گرا دارد و برای توسعه رقابت، تکیه اقتصاد را بر واردات نمی‌گذارد. زیرا توسعه صادرات مستلزم تولید محصولاتی است که منطبق با سلیقه روز مصرف‌کننده و فناوری نوین تولید، عرضه می‌شوند و الا در بازار جهانی جای خود را به سرعت از دست خواهند داد.

این سخن البته درست است که تجارت خارجی "خیابان دو طرفه" است و توسعه صادرات بدون واردات به جایی نمی‌رسد. لکن نباید فراموش کرد که واردات دانش و فناوری بدون قدرت هضم داخلی و پیدا کردن توانایی رشد آن - چه به شکل کالاهای سرمایه‌ای و چه به شکل کالاهای واسطه‌ای و مصرفی - نه تنها ممکن است کمک چندانی به تولید نکند، بلکه ضمن توسعه بازار مصرف داخلی و اخلال در الگوی مصرف و تقاضا و خروج منابع ارزی برای رفاه روزمره، به جای برنامه بلند مدت رشد هماهنگ و برنامه‌ای تولید و مصرف، صنایع نوپا را نیز می‌خشکاند و نهایتاً صنعتی باقی می‌گذارد که تولیدش جز تولید تحت لیسانس و وابسته به شرکت‌های بزرگ چند ملیتی که بازار جهانی را بین خود تقسیم کرده‌اند، نیست.

لکن واردات هوشمندانه و مؤثر در توسعه رقابت داخلی؛ وارداتی است که اصولاً برای تولید در راستای توسعه صادرات و به موازات آن افزایش درآمد و رفاه شهروندان از طریق دستیابی به بازارهای جدید و گسترش بازارهای فروش صادراتی سامان داده شده است. کسانی که از موضع دفاع از مصرف‌کننده، واردات را سیاستی برای شکستن قیمت‌ها - البته با فرض عدم تغییر نرخ ارز - و ملزم ساختن تولید داخلی به رقابت با محصولات مشابه خارجی می‌دانند این نکته را فراموش می‌کنند که در ایران اتکای سیاست مذکور به منابع ارز نفت، عوارض بیماری‌های هندی در شرایط توسعه تقاضای داخلی و تشنگی برای واردات را در پی دارد که نتیجه غایی آن استمرار نوپایی صنایع داخلی و عدم سیر بلوغ در آنهاست. افزون بر آن، انگیزه سود برای تولید داخلی توسط بخش خصوصی، محرک عقلانیت کارفرمایان صنعتی به فرآیند تامین آسان‌تر و پرسودتر است. خطر در این است که هدف حداکثرسازی سود در شرایط امکان استفاده از واردات بدون الزام به صادرات محصولات صنعتی، تولید داخلی را یا به طرف تولید تحت لیسانس، مقلد و وابسته‌ای که هیچگاه قادر به درک اقتصاد مقاومتی نیست، سوق می‌دهد و یا اینکه مسابقه‌ای را در صنعت برای جذب منابع ارزی نفت و افزایش فروش و سود خود به ساده‌ترین راه ممکن به نمایش می‌گذارد. بنابراین، به کار افتادن موتور رقابت پایدار **آنطور که (OECD)** آن را تعریف می‌کند جز از طریق اتکاء به منابع ارز صادرات صنعتی - و البته خدمات فنی و مهندسی - و عدم اتکاء به ارز صادرات نفت و سیاست‌های کنترل حجم پول و تقاضای داخلی میسر نیست. راهی که چین، تایلند، و به شکلی متفاوت ترکیه و کشورهای مشابه آنها و حتی کشورهای پیشرفته صنعتی قبل از بلوغ صنایع خود پیموده‌اند جز این راه نیست. یعنی دولت از صنایع نوپای داخلی تا حدی که بتوانند در صادرات به بازارهای جهانی روی پای خود بایستند، حمایت کند و ضربان واردات را با توسعه صادرات و توانایی رقابت اصولی صنایع داخلی تنظیم و هماهنگ سازد.

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی

نکات کلیدی:

۱. اگر تقاضای داخلی برای محصولات صنعتی، بازار داخلی را به زیان توسعه صادرات تنظیم کرده است، تنها راه ارتقاء رقابت صنعتی توسعه صادرات در شرایط کنترل هوشمندانه تقاضا و مصرف داخلی است.
۲. تقریباً محرز است که درآمد پولی تابعی از حجم نقدینگی است و حجم نقدینگی منشاء اصلی تورم پولی است. حجم نقدینگی نیز اصولاً تابع رشد پایه پولی و ضریب فزاینده پولی است که اغلب یا از افزایش ذخائر خارجی بانک مرکزی ناشی می‌شود و یا از بدهی‌های آشکار و پنهان دولت به سیستم بانکی برای جبران کمبود درآمد در بودجه و حفظ رفاه "کاذب" و کوتاه مدت اقتصاد مصرفی.

۳. اگر نیاز وارداتی صنعت از طریق توسعه تولیدات صادراتی و جایگزینی واردات تامین شود، می‌توان به تراز تجاری مثبت، تولید شکوفا و رشد قابل قبول رقابت دست پیدا کرد.
۴. اتکاء صنعت به صادرات و درآمد ارزی آن، راه تعامل سرمایه‌گذاران داخلی را با بازار مالی داخلی و توسعه این بازار و همچنین بازارهای مالی بین‌المللی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و یا سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع مخاطره‌آمیز باز می‌کند که کمک بزرگی در ارتقاء رقابت بازار داخلی می‌باشد.
۵. دولت نباید برای تامین مالی سیاست‌های یارانه‌ای و حمایتی به منابع ارزی زیرزمینی متکی باشد. بلکه لازم است از این منابع فقط در حد حفظ و توسعه سرمایه انسانی و زیرساخت‌های آموزشی، تغذیه‌ای و سلامت و بهداشت مردم، استفاده شود. این حدود را قانون بودجه مشخص می‌کند و تخلف از آن باید جرم محسوب شود.
۶. کنترل مصرف منابع ارزی نفت، کنترل پایه پولی و استفاده از سایر روشهای پولی مناسب برای ایجاد تعادل بازار و دستیابی به ثبات قیمت‌ها در پرتو ثبات اقتصاد کلان، زیربنای عدم افزایش ناموجه هزینه‌های تولید و بالاخص مزد کارگران و حاشیه سود کارفرمایان است که تحقق آنها به موازات رشد پژوهش و فناوری (R&D) را می‌توان مساوی ارتقاء توان رقابتی صنعت دانست!

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی